

استانداردهای ایماندار ۱۹

## قانون طلایی

خادم خدا فیروز خانجانی

کلیسای ایران

بازنگری شده - تابستان ۱۳۹۹



خداوند به شما برکت بدهد.

هفته‌ی پیش آموختیم که برای کسب برکت و فیض خداوند در زندگی خود، باید پیگیر باشیم. این قانون زندگی است. دیتریش بونهافر می‌گوید، فیض رایگان است ولی ارزان نیست. امروز در این جلسه، در خصوص قانون طلایی صحبت می‌کنیم. آیه‌ای که بدان خواهیم پرداخت بسیار کوتاه است ولی تأثیر بسیار زیادی بر زندگی ایمانداران گذاشته است. بخش مورد نظر متی باب ۷ آیه ۱۲ است که ابتدا آن را می‌خوانیم.

*لهدا آنچه خواهید مردم به شما کنند، شما نیز بدیشان هم چنان کنید زیرا این است تورات و صحف انبیا.*

در این آیه سه قسمت داریم و به سه مسئله اشاره شده است. در بخش اول داریم: «لهدا!» این واژه آیه را به قسمت قبل مربوط می‌کند. در آیه ۱۱ خوانده بودیم: «پس هرگاه شما که شریر هستید، بخشش‌های نیکو را به اولاد خود می‌دانید، چقدر زیاده پدر شما که در آسمان است چیزهای نیکو را به آنانی که از او سؤال می‌کنند خواهد بخشید.» یعنی پدر چیزهای نیکو را برای افراد گناهکار نیز در نظر می‌گیرد. فیض خداوند رایگان است و به همه در خود جای عطا می‌کند، چه افراد نیکو چه افراد بد!

ما در دعا وارد رابطه‌ی خاصی با خداوند می‌شویم و زمانی که از فیض خداوند بهره‌مندیم مخاطب این کلام خداوند هستیم. ما باید از پدر الگو برداریم. در آیه ۱۱ دیدیم مردم مجبور می‌شوند به افرادی که به آنها تعلق دارند، به فرزندان و به اقوامشان نیکویی کنند البته این به دید شخص بستگی دارد. یک فرد عادی حداقل به فرزندش رسیدگی می‌کند ولی فردی که دید وسیعتری دارد به اقوامش نیز رسیدگی می‌کند. یعنی دایره‌ی افرادی که به آنها کمک می‌کند بیشتر است. ولی پدر آسمانی به همه کمک می‌کند، به همه‌ی افرادی که با اشتیاق از

او می‌خواهند. به همین خاطر می‌گوید: **لهذا**. پس اگر پدر این چنین عمل می‌کند شما نیز آن کاری را انجام دهید که برای مردم نیکوست.

تقریباً در بسیاری از مذاهب موردی مشابه داریم. کنفسیوس، بودا، سقراط و حتی در یهودیت، هیلل پدربزرگ غمالائیل به این شکل عنوان می‌کند: «آنچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران نیز می‌پسند.» یعنی اگر دوست نداری به تو بدی و بی‌احترامی کنند تو هم به دیگران بدی نکن. ولی مسیح فرمان را به شکل مثبت اعلام می‌کند. آنها بیشتر اصل را بر این می‌گذارند که شخص شریر و خطرناک است ولی زمانی که وارد مشارکت با خداوند شویم مسیح این اصل را برای ما به شکل مثبت اعلام می‌کند زیرا از رحمت و فیض خداوند برخوردار شده‌ایم. مخاطب مسیح در آیه ۱۲ کسی است که از رحمت خداوند برخوردار شده و فیض یافته است. بنابراین مسیح از کسانی که فیض یافته‌اند، می‌خواهد آن کاری را انجام دهند که خود دوست دارند برای آنها انجام شود. فقط کسی که فیض یافته می‌تواند این را درست تشخیص دهد. فقط کسی که از برکت و حضور خداوند غنی شده می‌تواند درک کند. به عنوان مثال اگر از شخص معتاد به پرسیم دوست داری چه کاری برایت انجام دهیم؟ ممکن است مواد مخدر بخواهد! در بعضی از نقاط کشور زمانی که وارد خانه‌ای می‌شوید، به جای چای، تریاک تعارف می‌کنند چون آنها این چنین می‌پسندند. پس مخاطب این آیه نمی‌تواند تمام افراد باشد. مخاطب اصلی این آیه کسی است که از فیض خداوند برخوردار شده و خواسته‌های درستی دارد.

در بخش دوم آیه می‌گوید: «آنچه خواهید مردم به شما کنند، شما نیز بدیشان هم چنان کنید.» چون حرکت انسان باید الهام گرفته از حرکت خداوند برای ما باشد. ما باید هرآنچه را که از خدا یافته و می‌یابیم، به همان صورت به دیگران نیز ارائه دهیم. ما فیض یافتیم پس باید از خودمان فیض ارائه دهیم.

چنانکه گفتیم بقیه اصل را بر این می‌گذارند که کسی نباید کاری را انجام دهد که دوست ندارد برای او انجام دهند. گفته می‌شود: «آنچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران نپسند.» این گفته‌ی سقراط، هیلل و امثال آنهاست ولی مسیح چون اصل را بر نیکویی‌ای که ما یافته‌ایم می‌گذارد، می‌گوید: **فراتر از این باش! برای دیگران آن کاری را بکن که دوست داری برای تو انجام دهند.** مسیح به این شکل به ما یاد می‌دهد که پا را از مرزها فراتر بگذاریم و به همه‌ی مردم نیکویی کنیم، همان‌طور که دوست داریم به ما نیکویی کنند.

مسیح می‌گوید: «انسان‌ها». اگرچه آنجا مخاطبانش یهودیان بودند ولی کلیسا نیز مخاطب کلام مسیح است. او نگفت آنچه دوست دارید مابقی برادران یهودی یا خواهران و برادران کلیسا برای شما انجام دهند، شما هم برای آنها انجام دهید. می‌گوید آنچه دوست دارید مردم (انسان‌ها) برای شما انجام دهند، شما برای آنها انجام دهید. زمانی که باید کار نیکو انجام دهیم مسیح مرز را از بین می‌برد. نمی‌گوید فقط به شخصی که به کلیسای تو می‌آید کمک کن یا صرفاً به کسی که مسیحی است کمک کن. درست است این اصل وجود دارد که در کمک کردن اولویت با کسانی است که در کنار ما هستند چون کلیسا معمولاً مورد جفا قرار گرفته است ولی مسیح اصل را بر این می‌گذارد که ما باید بتوانیم به همه کمک کنیم، بدون در نظر گرفتن اینکه آیا این شخص به کلیسای من تعلق دارد یا به اصطلاح امروزی آیا این شخص خودی است یا غیرخودی. این شخص به کشور من تعلق دارد؟ این شخص به خانواده‌ی من تعلق دارد؟ مسیح نمی‌گوید زمانی که حرکت می‌کنیم باید فقط این اشخاص را در نظر بگیریم بلکه همه‌ی انسان‌ها را.

عیسی مسیح می‌خواهد ما فراتر از مرزهایی که انسان‌ها برای خود تقسیم‌بندی کرده و در نظر گرفته‌اند، حرکت کنیم. فراتر از مذاهب، فراتر از مرزهای جغرافیایی کشور، فراتر از مرزهای قبیله، باید فراتر از اینها به مردم کمک کنیم. می‌پرسید چگونه؟ مسیح می‌گوید آن چیزی که شما دوست دارید و می‌پسندید. بله! ما دوست داریم زمانی که در مشکل هستیم دیگران برای

ما دعا کنند. معمولاً زمانی که جلسه به اتمام می‌رسد همه دوست داریم که دیگران در دعا ما را یاد کنند. پولس هم دوست داشت او را در دعا یاد کنند. پولس می‌گوید مرا در دعاهای خود یاد کنید چون ما در راه اعلان بشارت منجی در جنگ هستیم. ولی پولس کسی بود که خود نیز برای تمامی افرادی که با آنها در ارتباط بود، دعا می‌کرد. با خواندن رساله‌های پولس می‌بینیم که او برای همه دعا می‌کرد. او می‌گوید چون شما را در دعا یاد می‌آورم با شکرگزاری دعا می‌کنم. بله او شکرگزار بود از اینکه خداوند فیض را به برادرانش عطا کرد و برای آنها و پایداری ایمانشان دعا می‌کرد. مسیح نیز به عنوان سرمشق زندگی ما، زمانی که در باغ جتسیمانی بود، دوست داشت شاگردان برای او و در کنارش دعا کنند ولی در عین حال خودش هم می‌گوید که ای پطرس، ای پطرس چقدر برای تو دعا کردم تا ایمانت تلف نشود. شیطان شما را خواسته ولی من دعا کردم تا تو بتوانی دوام بیاوری و چون دوام آوردی دیگران را برگردان. مسیح برای مردم و شاگردانش دعا می‌کرد. ما نیز زمانی که بعد از جلسه تقاضای دعا می‌کنیم باید به یاد داشته باشیم که ما هم مسئول هستیم تا برای دیگران دعا کنیم.

زمانی که وارد یک شهر یا یک محیط تازه می‌شویم دوست داریم دیگران به ما کمک کنند تا بتوانیم به شکل درست وارد شویم و وقت خود را تلف نکنیم. پس چقدر خوب است زمانی که با افراد تازه‌وارد روبرو می‌شویم به آنها کمک کنیم تا آنها بتوانند راه خود را بیابند. زمانی که تنها هستیم و احساس تنهایی می‌کنیم دوست داریم تا از گرمای انسانی برخوردار شویم، از محبت دیگران بهره‌مند شویم. پس زمانی که دیگران تنها هستند باید کاری انجام دهیم چون خود قبلاً این نیاز را درک کرده‌ایم. این افراد می‌توانند کسانی باشند که هر روز با آنها در ارتباط هستیم مثل اعضا کلیسا، اعضا خانواده و دیگر افراد، حتی غریبه‌ها! ما باید برای آنها همان کاری را انجام دهیم که دوست داریم دیگران برای ما انجام دهند. مسیح می‌گوید «انسان‌ها» نمی‌گوید یهودی یا مسیحی بلکه تمام انسان‌ها.

گاهی اوقات دوست داریم مردم با ما صحبت کنند یا در بسیاری از زوجها، زن و شوهر دوست دارند که با آنها صحبت شود یعنی طرف مقابل با او صحبت کند و چقدر خوب است که او خود پیشقدم شود و با همسرش صحبت کند. بسیاری از ازدواج‌ها به همین دلیل از بین می‌رود چون رابطه‌ی انسانی بین طرفین تلف می‌شود.

ما فکر می‌کنیم که در موقعیت خاصی هستیم که می‌بایست دیگران ما را درک کنند. مسیح از ما دعوت می‌کند که یاد بگیریم دیگران و نیازشان را درک کنیم. ما خیلی از چیزها را برای خودمان دوست داریم ولی برای دیگران چه؟ به این شکل قانون ملکوتی یعنی «همسایه‌ی خود را مثل خودت دوست داشته باش» در زندگی ما محقق می‌شود. چون ما همسایه و هم‌نوع خود را هم‌تراز با خود قرار داده‌ایم. همان‌طور که برای نیاز خود ارزش قائلیم، برای نیاز آنها نیز ارزش قائل هستیم.

اگر دوست داریم به طرز فکر ما احترام بگذارند، ما هم باید به طرز فکر دیگران احترام بگذاریم. نه اینکه مدتی با کسی صحبت کنیم تا ایماندار شود و وقتی ایماندار نشد رفتارمان با او تغییر کند. در خیلی از مذاهب دوره‌ی صبر وجود دارد و زمانی که این دوره سپری می‌شود به اصطلاح طرف را کله پا می‌کنند!

زمانی که به جایی می‌رویم، دوست داریم به آزادی ما احترام گذاشته شود پس ما هم باید به آزادی دیگران احترام بگذاریم. اشتباهی که کلیسا در قرون وسطی مرتکب شد درست در همین قسمت بود. در قرون اولیه مسیحیت زمانی که کلیسا در جفا بود، بسیاری از آزادی صحبت می‌کردند ولی متأسفانه زمانی که افراد تولدتازه‌نیافته، رأس امور را در دست گرفتند و کلیسا با دولت یکی شد و خود آن افراد جای جفاکنندگان را گرفتند و بر دیگران جفا رساندند. در دنیا افرادی هستند که دوست دارند به آنها احترام گذاشته شود ولی به محض اینکه به قدرت می‌رسند حقوق دیگران را نقض می‌کنند. چه کسی دوست دارد به خاطر ایمانش یا به

خاطر طرز فکرش مورد آزار و اذیت قرار گیرد؟ چه کسی شکنجه را دوست دارد؟ چه بسا افرادی که به خاطر ایمانشان یا به خاطر طرز فکرشان مورد شکنجه قرار گرفته‌اند. اگر ما این را دوست نداریم پس نباید دوست داشته باشیم که دیگران را به خاطر طرز فکرشان یا مذهبشان شکنجه کنیم. به راستی که اگر این اصل رعایت می‌شد چقدر وضعیت جهان دگرگون می‌شد؟!

گاهی اوقات برخی از فرقه‌ها در کشور از محدودیت‌هایی رنج می‌برند و شکایت می‌کنند ولی به محض اینکه رهبران این فرقه‌ها به قدرت می‌رسند و به آنها اختیاراتی داده می‌شود، مابقی گروه‌های مسیحی را محدودتر می‌کنند. این نقض قانون هیلل است و چقدر بیشتر نقض قانون طلایی مسیح!

**قانون طلایی، شاهد خدا در قلب هر انسان است.** خدا بر حسب قانون طلایی خود بسیاری را قضاوت می‌کند، حتی کسانی که بی‌ایمان هستند. به خاطر اینکه حتی اگر بی‌ایمان هم باشیم باز هم نیکویی را برای خود دوست داریم، پس به چه حقی به خود اجازه می‌دهیم که برای دیگران بدی را دوست داشته باشیم. قانون طلایی ریشه‌ی هر نوع خودخواهی را از انسان می‌گیرد. اگر ما بخواهیم بر اساس قانون طلایی رفتار کنیم، نمی‌توانیم رفتار خودپسندانه‌ای داشته باشیم بلکه ترغیب می‌شویم که برای دیگران هم نیکویی‌ها را بخواهیم چون از فیض خداوند برخوردار شده‌ایم. درست است مخاطب عام این کلام، تمام انسان‌ها هستند ولی مخاطب خاصش ایماندارانند چون آنها قدرت بکار بستن قانون طلایی را دارند. خیلی از بی‌ایمانان قدرت انجام این قانون را ندارند.

این قانون فقط شامل اعطا و ارائه‌ی خدمات نیکو به دیگران نمی‌شود بلکه شامل بخشش نیز می‌شود. ما دوست داریم اگر اشتباه کرده باشیم، مردم ما را ببخشند و همین‌طور دوست داریم از بخشش الهی برخوردار باشیم تا بتوانیم از خطاهای دیگران بگذریم. تا دنیا، دنیاست با خطاهای دیگران مواجه خواهیم شد البته دیگران هم با خطایای ما. با رفتارهایی مواجه خواهیم شد که برای ما دردآور است هم چنین با سخنانی روبرو خواهیم شد که می‌تواند دل ما را ریش



ریش کند اما مهم آن است که حاصل شکستن دل ما بخشش باشد، یعنی باید آماده باشیم تا ببخشیم چنانکه مسیح شکست ولی شکستن او باعث بنای دیگران شد. بله، قلب مسیح شکست! و ما که از بخشش مسیحایی برخوردار شدیم باید یاد بگیریم که چه در کلیسا و چه در بیرون، روحیه‌ی بخشش داشته باشیم. باید آماده باشیم که دیگران را مورد بخشش قرار دهیم.

در ابتدای موعظه داشتیم: «لهذا». کلام خدا این قسمت را به قسمت قبلی مربوط می‌کند. لهذا آنچه می‌خواهید که مردم برای شما بکنند، شما نیز بدیشان همچنان کنید. یعنی زمانی که ما نمی‌توانیم این بخشش را بپذیریم و دیگران را ببخشیم در یک روند نزولی از بخشش الهی محروم می‌شویم. ما نمی‌توانیم فقط خودخواهانه بخواهیم که بخشیده شویم و درک شویم، در حالی که دیگران را درک نکنیم. نهایتاً خدا این بخشش را از ما می‌گیرد به عبارتی ما از بخشش فاصله می‌گیریم. شاید بهتر است بگویم که از بخشش الهی فاصله می‌گیریم و در اصل این ما هستیم که بخشش الهی را رد می‌کنیم. زمانی که بخشش را برای دیگران رد می‌کنیم، در واقع برای خودمان هم رد می‌کنیم. یعنی عمل مسیح برای ما مردود می‌شود. به این دلیل کسانی که نمی‌توانند ببخشند، زندگی روحانی پویایی ندارند و در مرحله‌ی ایستایی هستند و با کوچکترین حرکتی ناراحت می‌شوند. این افراد از بخشش مسیحایی یعنی از عملی که الهام‌بخش آن، خود خداوند است فاصله گرفته‌اند. ماندن در برکت و در فیض مسیحایی مستلزم این است که ما این برکت و فیض را به دیگران منتقل کنیم. باید در دنیا به شکل‌های مختلف منبع فیض باشیم نه منبع شر.

و اما در بخش سوم آیه داریم: «زیرا این است قانون تورات و صحف انبیا». مسیح از ابتدا می‌گوید من نیامده‌ام تا تورات و صحف انبیا را باطل کنم بلکه آمده‌ام تا تمام کنم. برخی معتقدند که عهد عتیق بی‌فایده است. ولی مسیح شهادت می‌دهد که تمام‌کننده‌ی سخنان موسی و انبیاست چون آنها کلام مسیح را پذیرفته بودند، کلمه بر آنها نازل شده بود و می‌دانیم کلمه‌ی خدا، مسیح است. پس این دستور خلاصه‌ای از تورات و صحف انبیا است. چنانکه در

قسمت دوم ده فرمان داریم دزدی مکن، زنا مکن، طمع موز و غیره. مسیح آنچه خدا از طریق موسی و انبیا بیان کرده بود را به شکل غنی‌تری برای ما بیان نمود و این الگو را از طریق زندگی خود به ما ارائه داد. کلام خداوند در تمام جزئیات خود برای ما یک پیغام نیکو دارد.

فکر می‌کنم در یکی از ترجمه‌های سنتی ارمنی، متأسفانه گفته می‌شود عهد عتیق پوسیده شد و خیلی از ایمانداران به این ترجمه توجه می‌کنند. به همین دلیل در بسیاری از جلسات ارمنستان عهد عتیق را نمی‌خوانند و می‌گویند عهد عتیق پوسیده شد. این باور غلط صرفاً به خاطر ترجمه‌ی اشتباهی که یک شخص هزار سال قبل انجام داده، ایجاد شد. شاید آن شخص واژه را درست متوجه نشده بود. به هر صورت اکنون بسیاری از ایمانداران در ارمنستان، عهد عتیق را دیگر نمی‌خوانند و می‌گویند از عهد عتیق برای ما دلیل ارائه ندهید چون پوسیده شده ولی مسیح خلاف این را می‌گوید. او می‌گوید: «این است تورات و صحف انبیا». پس برای اینکه از اراده‌ی خدا آگاه شویم باید یاد بگیریم که به عهد عتیق هم رجوع کنیم تا از طریق آن راه‌های خداوند برای ما مکشوف شود.

این قانون چقدر کوتاه و غنی و مفید است برای کسی که دوست دارد در فیض مسیح بماند و از رحمت خداوند برخوردار شود. ما افراد شریری بودیم ولی به واسطه‌ی مشارکت با عیسی مسیح به افرادی تبدیل می‌شویم که می‌توانند در جهان مفید باشند. می‌توانند نمک جهان باشند و نوری که بر کوه‌ها گذارده شده و شهری که بر کوه بنا شده است. این رسالت کلیساست! رسالتی که به تکاتک ایمانداران داده شده است. اگر می‌خواهیم نور باشیم باید قانون طلایی را رعایت کنیم.

خداوند به تکاتک شما برکت بدهد. دعا کنیم.

ای خداوند، یاد گرفتیم که تو چه اراده‌ی نیکویی برای ما داری و خداوند! چه چیزهای نیکویی برای دیگران می‌خواهی. عطا فرما ای خداوند، تا ما وسیله‌ی تجلّی فیض تو در این

دنیای تاریک باشیم. عطا فرما ای پدر تا راههایی باشیم که نور تو در این دنیای تاریک آشکار گردد. ای پدر قانون مسیحایی، قانون طلایی را در قلب ما درونی کن. عطا فرما تا قانون طلایی سرمشقی در رابطه‌ی ما با دیگران باشد. در نام خداوند عیسی مسیح. آمین.